

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۵/۱۵

موضوع: ناگفته‌هایی از جنگ «جمل» و «صفین» و «نهروان» (۲)

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما خوبان، بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت»؛ شمایی که هم اکنون بیننده برنامه «حبل المتین» هستید.

انشاءالله که هرکجا هستید زیر سایه توجهات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان زندگی کنید که مورد رضایت خداوند قرار بگیرید؛ انشاءالله.

در این جلسه هم همانند سایر برنامه‌های «حبل المتین» در خدمت استاد عزیز و ارجمند آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم که به نیابت از شما عزیزان و خوبان عرض سلام و ادب و احترام خدمت استاد دارم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی محمد و آل محمد به ویژه شهیده راه ولایت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) قسم می‌دهم فرج مولای ما حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداه) را هرچه سریع‌تر نزدیک نموده و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای در رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم حوائج همه ما و شما گرامیان را برآورده سازد، گرفتاری‌ها و دغدغه‌های فکری ما و شما را برطرف سازد و دعا‌های ما را به اجابت برساند، ان‌شاءالله.

مجری:

ان‌شاءالله؛ عزیزانی که با ما همراه هستند می‌دانند در «شبکه جهانی ولایت» با صراحت در خصوص حقایق که در صدر اسلام بوده روشنگری می‌شود.

در این شبکه سعی می‌شود در کمال ادب و بدون توهین به هرگونه از ادیان و فرقه‌ها و مذاهب و تفکرات مختلف سعی می‌شود آنچه که حق هست را تقدیم حضور شما کنیم.

اگر شما محقق باشید که ان‌شاءالله این چنین هست و بینندگان ما این چنین هستند، می‌توانید راه حق را به سادگی پیدا کنید و راهی که هدف ما از خلقت هست بیمایید.

قبل از این که سوالاتی در ادامه فرمایشات حضرت استاد در جلسات قبل برنامه «جبل المتین» مطرح کنم باید بگویم می‌دانید که شبکه‌های وهابی شیطانی گاهی حرف‌هایی می‌زنند. این حرفا ادعاهایی است که برای بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت» خنده‌دار است، زیرا همه می‌دانند که آن‌ها دروغ می‌گویند و چه مطالبی را مطرح می‌کنند.

حضرت استاد اجازه بدهید قبل از اینکه به سوالاتی که ادامه مباحث جلسه قبل هست ورود پیدا کنیم، من این مطلب را عرض کنم وهابیت ادعا کردند که شیعیان تکفیری هستند، ما وهابی‌ها اصلاً کسی را تکفیر نمی‌کنیم و تا به حال چنین کاری نکردیم!!

وهابیت ادعاهای خیلی خنده‌داری را در این خصوص مطرح کردند. بزرگواری کنید و بفرمایید که آیا واقعاً وهابی‌ها اهل تکفیر نیستند؟ آیا آن‌ها زندگی مسالمت آمیزی با بقیه مسلمان‌ها دارند یا خیر؟! ما از فرمایشات شما استفاده می‌کنیم.

وهابیت؛ و تکفیر سایر مسلمانان

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمری إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق و اجعلني من لدنك سلطانا نصيرا

همان‌طور که حضرت‌عالی اشاره فرمودید گاهی اوقات وهابیت دروغ‌هایی می‌گویند و به قدری این دروغ‌ها بزرگ است که خودشان باورش‌شان می‌شود.

سران وهابی می‌گفتند: "ما اهل تکفیر نیستیم" در برنامه‌ای که سه، چهار روز قبل در یازدهم این ماه داشتند، ده‌ها جمله شرک‌آمیز و تکفیر به شیعیان بستند.

آن‌ها ادعا کردند: "دین اثناعشری دین جعلی است!!" آیا تکفیر بالاتر از این می‌خواهید؟! همچنین ادعا کردند: "مذهب شیعه اثنا عشری اصلاً مذهب نیست و کلیاتش با اسلام متفاوت است." "صاحبان مذهب اثنا عشری غیر از خدای ما را می‌پرستند، پیغمبر آنان غیر از پیغمبر ما است و قرآنشان غیر از قرآن ماست!!"

البته این ادعا راست است؛ بینندگان عزیز من هم این حرف را تأیید می‌کنم. خدایی که شیعه می‌شناسد خدایی است که در قرآن است.

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)

همانند او چیزی نیست.

سوره شوری (۴۲): آیه ۱۱

و:

(وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

و برای او هرگز شبیه و مانندی نبوده است.

سوره إخلاص (۱۱۲): آیه ۴

و:

(هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ)

او خداوند واحد قهار است.

سوره زمر (۳۹): آیه ۴

اما خدایی که وهابی‌ها می‌شناسند می‌تواند هزار خدا مانند خودش را بیافریند. ما چنین خدایی را قبول نداریم و منکر این خدا هستیم. البته من می‌گویم اگر ۳۶۵ خدا می‌آفرید تا هر خدا یک روز بر دنیا حکومت کند خیلی خوب بود!!

اگر هزار خدا باشد به هر خدا هر سه سال به روز می‌رسد که بتواند خدایی کند و دنیا را بچرخاند! حال این خدا در طول این سه سال که بیکار هستند نمی‌دانم چکار می‌کنند و ای کاش آقایان وهابی توضیح می‌دادند. خدایی که ما معتقد هستیم؛

(وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

و او بر هر چیزی توانا است.

سوره مائده (۵): آیه ۱۲۰

بر همه چیز قادر است. شیعه و اهل سنت خدایی را که سنگی بیافریند و نتواند بلند کند قبول ندارند و در آن شک و شبهه‌ای نیست.

شیعه خدایی که به پیغمبرش هفت تیر می‌دهد و می‌گوید من را هم بکش را قبول ندارد. حال اگر خدا هفت تیر را داد و کشته شد این جهان را چه کسی اداره می‌کند؟ آیا وهابی‌ها می‌خواهند بروند و جای خدا بنشینند!!

خدایی که الاغ سوار می‌شود و از بالا به پایین می‌آید را شیعیان قبول ندارند. قطعاً این حرفشان صد در صد درست است، اما نتیجه‌اش معکوس است؛ زیرا خدای الاغ سوار خدا نیست و کسی که معتقد به خدای الاغ سوار است کافر است!!

کسی که معتقد هست خدا می‌تواند هزاران خدا مانند خودش بیافریند کفر صریح است. خدایی که می‌تواند یک چیز را خلق کند نتواند یک چیز را بیافریند خدا نیست، بلکه ساخته و پرداخته ذهن وهابیت پلید است. پیغمبر وهابیت قطعاً غیر از پیغمبر مسلمانان است.

بنده نمی‌خواهم در این زمینه توضیح بدهم، زیرا می‌ترسم بعضی از عزیزان اهل سنت مطالبی به دلشان بیاید. بعضی از مطالبی که این افراد نقد می‌کنند، در کتاب‌های وهابیت و اهل سنت وارد شده است.

در کتب وهابیت وارد شده پیغمبر می‌خواهد به بالای کوه برود و تصمیم به خودکشی دارد!! قطعاً ما چنین پیغمبری را قبول نداریم.

پیغمبری که خودش نتواند خودش را اصلاح کند و به خاطر نیامدن وحی تصمیم بر خودکشی داشته باشد، آیا می‌خواهد جامعه را اصلاح کند؟! چنین پیغمبری می‌تواند بیاید و بگوید خودکشی حرام است؟!!

وهابیت ده‌ها قضایای دیگری از نبی مکرم نقل می‌کنند، اما قطعاً چنین خدایی را مسلمانان و شیعه قبول ندارند. همچنین وهابیت معتقدند که در قرآن کریم توسلی در کار نیست؛

«من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوه، أنه كافر مرتد حلال المال والدم»

هرکسی بین خود و خدا واسطه قرار دهد کافر و مرتد است و جان و مال او هم به هدر رفته است.

الرسائل الشخصية (مطبوع ضمن مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء السادس)، المؤلف:

محمد بن عبد الوهاب بن سليمان التميمي النجدي (المتوفى: ١٢٠٦ هـ)، المحقق: صالح بن فوزان بن

عبدالله الفوزان، محمد بن صالح العيلقي، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود، الرياض، المملكة العربية

السعودية، ج ١، ص ١٤٧، باب الرسالة الحادية والعشرون: رسالته إلى محمد بن سلطان

خدای عالم در قرآن کریم ده‌ها آیه در رابطه با توسل مطرح کرده است؛

(وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

:و

(يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

:و

(يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ)

خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌طلبند.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۵۷

:و

(وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند) به نزد تو

می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد.

سوره نساء (۴): آیه ۶۴

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

هنگامی که به آن‌ها گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می‌دهند، و آن‌ها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند.

سوره منافقون (۶۳): آیه ۵

ما امثال این آیات را در قرآن کریم داریم. قطعاً قرآنی که این آقایان معتقد هستند غیر از قرآنی است که مسلمانان و شیعه آن را قبول دارند.

بنده از بعضی علمای اهل سنت مخصوصاً جناب «مولوی عبدالحمید» گلایه دارم، زیرا وقتی یکی از کارشناسان وهابی جمله‌ای می‌گوید او این همه برافروخته می‌شود. ایشان خودشان را تابع نظام می‌دانند و در تمام مراحل انقلاب اسلامی هم با نظام بوده‌اند. در این شبکه به بعضی از بزرگان ما عبارتهای وقیح، زشت و توهین آمیز گفته می‌شود و فحاشی می‌کنند. چرا علمای اهل سنت علی‌الخصوص ایشان اعتراض نمی‌کنند؟!

اگر علمای اهل سنت واقعاً حرف کارشناسان وهابی را قبول ندارند بیایند از آن‌ها اعلام براءت کنند و بگویند آن‌ها ارتباطی با ما ندارند و شبکه‌های مرتبط با ما نیستند، بلکه وهابیت از عربستان سعودی و صهیونیست و آمریکا دستور می‌گیرند.

اگر علمای اهل سنت حرف کارشناسان وهابی را قبول ندارند بیایند و جلوی آن‌ها را بگیرند تا دیگر توهین و فحاشی نکنند.

اینکه وهابیت ادعا کرده است: "ما اهل تکفیر نیستیم" من واقعاً تعجب می‌کنم. ما قبلاً مفصل مطالبی در این خصوص آوردیم. دوستان عزیز مشاهده کنید «ابن تیمیه» شیخ الاسلام وهابیت در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ۳۵ می‌گوید:

«وقد لا یكون من الرفضة من له نسب صحیح»

شیعه‌ها اصلاً نسب صحیح ندارند.

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمية الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیه، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ج ۳۵، ص ۱۴۱

این شخص قضیه بقایا و غیره را مطرح می‌کند با این که اصلاً نمی‌فهمد معنایش چیست! همچنین «محمد بن عبدالوهاب» در کتاب «الرسالة فی الرد علی الرفضه» می‌گوید:

«فهؤلاء الإمامية خارجون عن السنة بل عن الملة»

امامیه از سنت و ملت اسلام خارج‌اند.

او در این بیان لفظ «امامیه» گفته است و از لفظ «رافضه» هم استفاده نکرده است. مراد از امامیه شیعه دوازده امامی است که شامل زیدیه و اسماعیلیه دیگر فرق هم نخواهد شد. کفر از این بالاتر سراغ دارید؟! آیا تکفیر شاخ و دم دارد؟!!

«واقعون فی الزنا»

آنها همه زناکار هستند.

او سپس با کمال وقاحت و بی ادبی می گوید:

«وما أكثر ما فتحوا على أنفسهم أبواب الزنا في القبل والدبر فما أحقهم بأن يكونوا أولاد الزنا»

رسالة في الرد على الرافضة، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض،
الطبعة: الأولى، تحقيق: تحقيق الدكتور / ناصر بن سعد الرشيد، ج ١، ص ٤٢، باب مطلب الطلاق بالثلاث
في لفظ واحد

آیا اگر کسی چنین تعبیری به کار ببرد تعذیر دارد یا ندارد؟! آیا حد قذف بر این شخص واجب است یا نیست؟!
ما با او چکار کنیم؟! «ابن تیمیه» در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ۲۸ به صراحت می گوید:

«یتبین أنهم شر من عامة أهل الأهواء وأحق بالقتال من الخوارج»

کشتن شیعیان واجب هست و حتی کفر و قتلشان از قتل و کفر خوارج هم بالاتر است.

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو
العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی
النجدی، ج ۲۸، ص ۴۸۲، باب سؤال فی علی بن أبی طالب

آیا تعبیری از این روشن تر و واضح تر بیان کنیم؟! تعبیری دیگر در «مجموعه رسائل کبری» وارد شده است که
می گوید: رافضه و جحمیه زندق، مرتد و منافق هستند و در درک اسفل آتش هستند!!

ما باید بگوییم «ابن تیمیه» آینه را جلوی خودش گذاشته، عمل خودش را ملاک قرار داده و آخرتش را دیده و
به اشتباه به جای اینکه قیافه خود را در آینه ببیند این مطالب را به شیعه نسبت داده است. در این زمینه حرف
زیاد است!

وهابیت ادعا می‌کنند: "ما اهل تکفیر نیستیم" درحالی‌که شخصی را از ریاض به نام «عبدالرحمن دمشقی» آورده بودند که در یکی از جلسات چندین بار گفت: "ما شیعه را کافر می‌دانیم، آن‌ها مسلمان نیستند و از اسلام خارج هستند!" مگر تکفیر شاخ و دم دارد؟! آیا یک نفر از فقهای شیعه تا به حال گفته اهل سنت یا وهابی‌ها کافرند و قتلشان واجب است!!؟

مجری:

یعنی به خاطر وهابی بودنشان قتلشان واجب است؟!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله؛ اگر علمای شیعه گفتند که وهابیت به خاطر وهابی بودنشان قتلشان واجب است یک مورد به ما نشان دهید!! نه اینکه روایات ضعیف و بی سند و مرسل که ما قبول نداریم را بخواهید ملاک قرار دهید.

شما وهابیت مطالبی از «شیخ مفید» و غیره را هم بیان می‌کنید که دلیل بر جهل و نفهمی شماست. اصلاً وقتی ایشان بحث کفر را مطرح می‌کند می‌گوید: "کفر در برابر ایمان نیست، کفر در برابر ولایت است. کفر در برابر اسلام نیست، کفر در برابر ایمان است!!"

«شیخ مفید» می‌گوید: "کسی که به ولایت علی بن ابی طالب ایمان نداشته باشد کافر است، یعنی کافر به ولایت علی است؛ نه کافر به دین و کافر به اسلام!!"

اگر واقعاً مرادشان کفر در برابر اسلام هست ازدواج با اهل سنت را جایز نمی‌دانستند، زیرا همین «شیخ مفید» در تمام ابواب فقهی می‌گوید: "ازدواج با اهل سنت جایز است!!" آیا یک نفر از فقهای شیعه فتوا به جواز نکاح با کفار را داده است!!؟

علمای شیعه فتوا می‌دهند: "ذبیحه اهل سنت حلال است!!"; امروزه بسیاری از حجاج ایرانی در مکه مکرمه از ذبیحه اهل سنت استفاده می‌کنند.

اگر علمای شیعه اهل سنت را کافر بدانند با ذبیحه آن‌ها همانند ذبیحه کفار برخورد می‌کنند، زیرا معتقدند ذبیحه کفار نجس است.

عقل و فکر داشته باشید و آن را به کار بگیرید!! والله العلی الاعلی با این‌طور روی هوا حرف زدن پشیمان می‌شوید. شب اول قبر گرفتار این حرف‌هایتان می‌شوید و فردای قیامت نمی‌توانید پاسخگو باشید. به فکر قیامت و شب اول قبرتان باشید!! به فکر آن روزی باشید که وقتی از شما سؤال کنند: چرا اینکار را کردید؟! می‌گویید:

(رَبِّ اِزْجَعُونَ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ)

پروردگار من! مرا باز گردانید شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.

سوره مؤمنون (۲۳): آیات ۹۹ و ۱۰۰

شما عرضه می‌دارید: خدایا ما را برگردان تا جبران کنیم، ولی دیگر هیچ برگشتی نیست و پشیمانی دیگر فایده‌ای به حال شما ندارد.

ما تا به حال بارها گفته‌ایم که اگر شیعه کافر است و مشرک است یک مناظره چهره به چهره قرار دهید و حرف‌هایتان را بزنید تا ما هم حرف‌هایمان را بزنیم. بیایید در یک برنامه زنده اثبات کنید که شیعه‌ها مشرک و کافرند تا میلیون‌ها شیعه وهابی شوند!!

چرا می‌ترسید و وحشت دارید؟! اگر واقعاً شماها نسبت به عقایدتان پا برجا هستید نبی مکرم به صراحت می‌گوید:

(وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم.

سوره سبأ (۳۴): آیه ۲۴

اگر ما گمراهیم و شما هدایتگر هستید بیاید ما را هدایت کنید و اگر ما هدایتگریم و شما گمراهید بیاید ما شما را هدایت کنیم. از سخن نبی مکرم که بالاتر نداریم!!

وهابیت ادعا می‌کنند که شما به نوامیس پیغمبر اکرم توهین می‌کنید. ما بارها گفتیم: "لعنت خدا بر کسانی که نسبت به هرکدام از نوامیس رسول اکرم نسبت ناروا بدهد." از این روشن‌تر و واضح‌تر بیان کنیم؟! اینکه شماها در کتاب‌هایتان یک سری مسائلی دارید که نمی‌توانید جواب دهید تقصیر ما چیست؟! «ابن تیمیه» به صراحت اعلام می‌کند نبی مکرم نسبت به همسرش دچار تردید شده بود.

«حذیفه» می‌گوید: "پیغمبر اکرم از صبح تا غروب تمام حوادث آینده را تا قیام قیامت برای ما بیان کرد." پیغمبری که تا قیام قیامت همه اخبار را بیان می‌کند، چطور شد که از مسائل مربوط به همسر خودشان بی‌خبر بود؟!

«و کان قد ارتاب فی أمرها»

پیغمبر اکرم در رابطه با پاکدامنی عایشه دچار تردید شده بود.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۸۰

«ألبانی» می‌گوید: نسبت فحشا برای ناموس پیغمبر و أمهات المؤمنین بعید نیست و ذاتاً اشکال ندارد! مشاهده کنید آیا یکی از علمای شیعه از زمان «شیخ مفید» و «سید مرتضی» تا فقهای معاصر ما چنین فتوایی داده‌اند، یا خیر؟! ولی ده‌ها تن از علمای وهابی درباره حضرت نوح به صراحت گفته‌اند که پسرش از خودش نبوده، همسرش در حق حضرت نوح خیانت کرده و از مرد دیگری آن را حامله شده بود!!

شما خودتان مشکل دارید و نمی‌توانید جواب آنچه در کتاب‌هایتان وجود دارد را بدهید تقصیر ما چیست؟!

ما کسانی را که در بعضی از شبکه‌ها تندروی می‌کنند همانند «یاسر الحبيب» و دیگران را شیطانی می‌خوانیم. همان‌طور که شما را شیطانی می‌گوییم، آن‌ها را هم شیطانی می‌خوانیم. آن‌ها حرف‌هایی می‌زنند که مورد تأیید مراجع ما نیستند. مراجع عظام تقلید حرف‌های آن‌ها را رد کردند. اگر فلان منبری یا مداح اشتباه کرده و حرفی زده آیا می‌خواهید این اشتباه را به حساب کل مذهب و دین قرار دهید؟!

امیدواریم که این افراد سر عقل بیایند و از این کارهایشان استغفارکنند. دلمان برای این افراد می‌سوزد که فردای قیامت گرفتار آتش جهنم شوند.

(كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا)

هر گاه پوستهای تن آن‌ها (در آن) بریان گردد (و بسوزد) پوستهای دیگری به جای آن قرار می‌دهیم.

سوره نساء (۴): آیه ۵۶.

در اثر آتش جهنم گوشت بدن این افراد می‌ریزد و خدای عالم گوشت جدیدی را می‌آفریند تا عذاب الهی را خوب بچشند. ما دلمان می‌سوزد و نمی‌خواهیم آنجا گرفتار شوند. حال خودتان می‌خواهید گرفتار شوید تقصیر خودتان است. من در خدمت آقای حسینی عزیز هستم.

مجری:

حضرت استاد خیلی ممنونم. به هر حال هدف این شبکه‌ها فتنه‌انگیزی و به هم زدن وحدت شیعه و سنی است. آن‌ها به هر بهانه‌ای می‌خواهند شلوغ کنند، یک قضیه یا هر موضوعی را مسلک خودشان قرار می‌دهند تا آشوب به راه کنند.

حیات شبکه‌های وهابی و وهابیت بر موج سواری‌های احساساتی و گاهی فتنه‌گونه است. آن‌ها به هر حال دوست دارند به این قضایا دامن بزنند.

من از حضرت استاد درخواست می‌کنم در مورد بحث مهمی که در جلسات قبل هم مفصل در مورد آن توضیح دادند توضیحات خلاصه‌ای بفرمایند. آن بحث سر این موضوع است که «ابن تیمیه» گفته است: "بسیاری از صحابه و تابعین بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند و با ایشان جنگیدند؛" اگر بزرگواری کنید و خلاصه‌ای از جلسه قبل بفرمایید ممنون می‌شوم.

خلاصه مطالب جلسه گذشته:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما خلاصه این مطالب را هر هفته بیان می‌کنیم، شاید یکی از عزیزان بیننده برنامه‌های قبلی ما ندیده باشند.

«ابن تیمیه» به صحابه توهینی کرده است که من گمان نمی‌کنم کسی چنین توهینی به صحابه کرده باشد. ایشان به صراحت در کتاب «منهاج السنة» جلد ۷ صفحه ۱۳۷ می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعین كانوا يبغضونه و يسبونونه و یقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند و او را سب می‌کردند و با او به قتال می‌پرداختند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ١٣٧

آیا توهینی بالاتر از این وجود دارد؟! وقتی «صحيح بخاری» و یا «صحيح مسلم» به صراحت اعلام می‌کند:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَى أَنْ لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨

بنابراین بسیاری از صحابه که بغض امیرالمؤمنین را داشتند طبق این حدیث از کتاب «صحيح مسلم»، منافق

بودند!! غیر از منافق کسی علی بن ابی طالب را دشمن نمی‌دارد و «كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

به بسیاری از صحابه و تابعین اتهام نفاق بسته است.

اخيراً ما دو سه ماه است که این مطالب را مطرح می‌کنیم تا بیایید و از خودتان دفاع کنید. چرا دفاع نمی‌کنید؟!

«ابن تیمیه» می‌گوید: بسیاری از صحابه به علی ناسزا می‌گفتند، درحالی‌که در کتاب «مستدرک علی

الصحيحين» جلد ٣ صفحه ١٣٠ و دهها روایت دیگر وارد شده که پیغمبر اکرم فرمودند:

«من سب عليا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله تعالى»

هرکسی به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته و هرکسی به من ناسزا بگوید به خداوند ناسزا گفته

است.

المستدرک علی الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٣٠، ح ٤٦١٦

طبق این روایت، بسیاری از صحابه و تابعین که به علی ناسزا گفتند، در حقیقت به پیغمبر خدا ناسزا گفتند. بیاید از خودتان دفاع کنید؛ اگر او دروغ می‌گوید بیاید بگویید او دروغ می‌گوید (علیه لعنة الله). در کتاب «صحيح بخارى» جلد ۱ وارد شده است:

«آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»

نشانه منافق سه چیز است؛ زمانی که سخن می‌گوید دروغ می‌گوید، در وعده دادن خلف وعده می‌کند و در امانت خیانت می‌کند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص ۲۱، ح ۳۳

اگر او دروغ می‌گوید بگویید «ابن تیمیه» دروغ گفته و دروغ‌گو هم منافق است. «ابن تیمیه» همچنین می‌گوید: "بسیاری از صحابه و تابعین با علی بن ابی طالب جنگیدند".

اولاً برای ما روشن بفرمایید که جنگ با امیرالمؤمنین قبل از سال ۴۰ هجری بوده است. شما تابعین را از کجا شروع می‌کنید و آغاز تابعین از کجاست؟! آیا تابعین در جنگ جمل و صفین و نهروان بوده یا بعد از او آمده‌اند و هنوز عصر صحابه بوده است؟!

اینکه ادعا شده صحابه و تابعین با امیرالمؤمنین جنگیدند پیغمبر اکرم فرمود:

«نظر النبي إلى علي وفاطمة والحسن والحسين فقال أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم»

نبی مکرم به حضرت علی، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین نظر کرد و فرمود: هر کس با شما بجنگد با من جنگیده است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٦١، ح ٤٧١٣

و همچنین «جصاص» یکی از علمای بزرگ شما در کتاب «أحكام القرآن» جلد ٤ می‌گوید: هرکسی با علی بجنگد طبق این روایت؛

«فاستحق من حاربهم اسم المحارب لله ولرسوله»

چنین فردی استحقاق دشمنی با خدا و رسولش را دارد.

«وإن لم يكن مشركا»

اگرچه مشرک نباشد.

أحكام القرآن، اسم المؤلف: أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٤٠٥، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي، ج ٤، ص ٥١، باب حد المحاربين

او می‌گوید: با خدا و پیامبر جنگیده حتی اگر مشرک نباشد. «ابن تیمیه» که می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

آیا حاضرید حرف‌های «ابن تیمیه» را بپذیرید؟! ما در جلسه گذشته هم عرض کردیم ما آمار تعدادی از صحابه و بزرگانی که با امیرالمؤمنین بودند را دادیم و آمار افرادی هم که با معاویه بودند کاملاً روشن و واضح است. آیا ما در اینجا می‌توانیم بگوییم: «فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»؟!»

این ادعاها تهمت و افترايي بیشتر نیست و توهين صريحي به صحابه است. «ابن تیمیه» خواسته به امیرالمؤمنین اهانت کند و او را تحقیر کند، اما به صحابه و تابعین توهين کرده است. «ابن تیمیه» خواسته ابرو را درست کند، اما زده چشم را هم خراب کرده است.

«ابن تیمیه» با این عبارت بدترین اهانت را به صحابه و تابعین کرده است. این ادعا خیلی صريح و واضح است و شما باید جواب دهید. چرا نمی‌توانید جواب دهید؟

ما تحدی کردیم و چندین هفته است که این بحث را مطرح می‌کنیم. ما آنچنان وهابیت را در منگنه قرار دادیم که یا مجبور شوند بگویند «ابن تیمیه» دروغ گفته است که در این صورت منافق است یا بگویند «ابن تیمیه» راست گفته که توهين صريحي به صحابه و تابعین است.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد از شما بسیار ممنونم. قبل از اینکه من سؤال بعدی را از محضر استاد بپرسم ارتباطی با مدینه منوره با همکار عزیزم جناب علی اسماعیلی داریم. آقای علی اسماعیلی عزیز اگر صدای بنده را دارید بنده خدمت شما عرض سلام و ادب و احترام دارم.

مجری (آقای علی اسماعیلی – مدینه منوره):

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت شما همکار عزیز و ارجمند سید بزرگوار آقای حسینی و سلام و عرض ادب و احترام به محضر استاد عزیزمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی. همچنین سلام خدمت همه بیننده‌های عزیز و ارجمند و دوست داشتنی و با صفا و با وفای «شبکه جهانی ولایت».

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، موفق و مؤید باشد. نمی‌دانم آنجا ما را هم دعا کردید یا نه؟! شاید بقدری سرتان شلوغ بوده که فراموش کردید.

مجری (آقای اسماعیلی):

استاد خواهش می‌کنم. وظیفه ما هست که در حق بزرگان و اساتیدمان دعا کنیم و این امر را بر خودمان تکلیف و وظیفه می‌دانیم.

من در اولین زیارتی که مشرف شدم حضرتعالی، دوستان و زحمت‌کشان «شبکه جهانی ولایت»، عزیزان خوب بیننده به ویژه کسانی که همیشه یار و یاور شبکه بودند را نیابت کردم.

مجری:

آقای اسماعیلی عزیز از شما ممنونم. در این موسمی که خیلی‌ها دوست داشتند در حج به عنوان یک عبادت شرکت بکنند، مقداری از حال و هوای مدینه برای ما بفرمایید.

هر چند بعد از اتفاقاتی که افتاد وقتی نام حج و مدینه می‌آید مقداری دل‌ها به یاد غمی که در حادثه منا به وجود آمد می‌افتد، دوست داریم حال و هوای الان مدینه را بدانیم و بشنویم و ما که آنجا نیستیم از آن لحظاتی که شما دارید درک می‌کنید لذتی ببریم.

مجری (آقای اسماعیلی):

بله! باید عرض کنم که واقعاً جای شما و همه دوستان خوب بیننده در شهر پیامبر، مدینه النبی خالی است؛ شهری که وقتی وجود نازنین نبی مکرم (رحمة اللعالمین) در این سرزمین پاک قدم گذاشتند، این شهر نامش به مدینه النبی تغییر کرد.

آقای حسینی عزیز و دوستان بیننده من گاهی فکر می‌کنم که واقعاً در چه جایی قدم گذاشتم؛ شهر پیامبر و حرم مقدس و نورانی و ملکوتی نبوی و جایی که پیامبر اینجا قدم گذاشتند، اینجا نفس کشیدند و اینجا عبادت کردند.

جایی که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و وجود نازنین مولایمان و نورچشممان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اینجا در رکاب پیامبر بودند.

وقتی که فکر می‌کنم آنجایی که آیه تطهیر نازل شد و به نقل تاریخ، پیامبر گرامی اسلام تقریباً به مدت شش ماه می‌آمدند و آیه تطهیر را در آن مکان قرائت می‌کردند که نشان از جایگاه نورانی و با فضیلت اهل بیت عصمت و طهارت دارد.

اینجا شهری است که سیزده معصوم در اینجا متولد شدند و اینجا بزرگ شدند. در کنار این حرم نورانی و ملکوتی نبوی هم قبرستان بی‌شمع و چراغ بقیع هست.

خدا را شکر زائرین و حجاج بیت الله الحرام شیعه و سنی در دو وعده اولین کاری که انجام می‌دهند این است که در گلستان بقیع و در کنار قبور ائمه مظلوم بقیع حضور پیدا می‌کنند، آنجا عرض ادب می‌کنند و آنجا اشک غم اندوه و مظلومیت می‌ریزند.

بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب گلستان بقیع باز می‌شود و همچنین بعد از نماز عصر که ان شاء الله نصیب شما هم بشود.

الحمدلله و خدا را شکر که تا الان نزدیک به شانزده هزار و دویست زائر ایرانی وارد مدینه شدند. البته دیروز اولین کاروان‌های حجاج و زوار ایرانی مُحَرِّم و وارد مکه مکرمه شدند.

من اتفاقاً دیروز با یک گروهی که در مسجد شجره مواجه شدم عزیزانی بودند که از کردستان منطقه بانه در مسجد شجره محرم شده بودند و در حال اعزام به مکه بودند. بعضی‌هایشان وقتی ما را دیدند خیلی استقبال کردند و از «شبکه جهانی ولایت» یاد کردند. عزیزان اهل سنت ما که از بانه آمده بودند و بیننده همیشگی «شبکه جهانی ولایت» هم خدمت استاد سلام رساندند.

خلاصه خیلی جای شما خالی است؛ ان‌شاءالله بنده سعی می‌کنم به مرور زمان و اگر یاری کند و فرصت شود تصاویر و کلیپ‌هایی را در مسجد النبی، در گلستان بقیع، در همه اماکن مقدس و نورانی ضبط کنم. البته بخشی از این کلیپ‌ها را ضبط کردم و ان‌شاءالله در فرصت مناسب ارسال می‌کنم تا دوستان بتوانند در شبکه پخش کنند.

آقای حسینی من دیروز جایی رفته بودم؛ آنجا محل چاهی بود که به امر پیامبر گرامی اسلام و به دست «حضرت سلمان فارسی» حفر شده بود.

طبق آنچه که در تاریخ آمده منزل «حضرت سلمان فارسی» هم آنجا بود، اما وقتی که داخل آن می‌رفتید خرابه و ویرانه‌ای بیش نبود و متأسفانه نامی هم از آن شخصیت بزرگوار در آنجا برده نمی‌شد.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این است که الحمدالله امسال تا الان امنیت کامل برقرار بوده و حجاج به‌ویژه حجاج ایرانی در آرامش کامل در نمازهای سه‌گانه شرکت می‌کنند.

بنده وقتی به مسجد النبی می‌روم، می‌بینم که ایرانی‌ها چقدر به نماز اول وقت مقید هستند و نماز جماعت را در مسجد النبی برگزار کنند. این هم از جایگاه خوب مردم ایران دارد و اهمیتی که به نماز می‌دهند.

ایرانی‌ها را می‌بینم که علاوه بر عبادت‌های دیگرشان در مسجد النبی جمع می‌شوند، قرآن به دست می‌گیرند و قرآن تلاوت می‌کنند. الحمدلله این کار نشان از این دارد که مردم ما، شیعیان و پیروان مکتب عصمت و طهارت دو بال اهل بیت و قرآن کریم را به خوبی دارند. ان‌شاءالله که بتوانند بخوبی هم از آن‌ها استفاده کنند.

آقای حسینی من حتماً اگر لایق باشم دعاگوی شما، استاد عزیزم، همه همکاران خوبم در «شبکه جهانی ولایت» و دوستان خوب بیننده خواهم بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای اسماعیلی بزرگوار ما از حضرتعالی تشکر می‌کنیم. ان‌شاءالله بتوانید از مسجد النبی و قبرستان بقیع کنار قبور مطهر ائمه بقیع برنامه‌های خوبی برای ما ضبط کنید.

من هم از شما درخواست می‌کنم اگر برای شما مقدور است از مسجد «رد الشمس» همان مکانی که سر مطهر نبی اکرم بر زانوی امیرالمؤمنین بود، آفتاب غروب کرد و نماز عصر نخوانده بودند و به دعای پیغمبر اکرم آفتاب برگشت و نمازشان را خواندند کلیپ تهیه کنید.

ما دوازده سال قبل موفق شدیم به این مکان برویم. این مسجد نزدیک «مسجد شجره» است و شاید از «مسجد شجره» تا «مسجد رد الشمس» پیاده راهی نباشد.

مجری (آقای اسماعیلی):

متأسفانه مسجد را خراب کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر بتوانید از همان خرابه هم کلیپی تهیه کنید خوب است تا مردم ببینند وهابیت با آثار اهل بیت (علیهم السلام) چکار می‌کنند.

ما هم وقتی به آنجا رفتیم همین شکل بود و مخروطه‌ای بیشتر نبود. این مسجد دیواری داشت که ما از آن دیوار داخل شدیم و چند عکس گرفتیم و تا قبل از آمدن شرطه‌ها برگشتیم.

این مسجد نزدیک «مسجد شجره» هم هست و احتمالاً در قسمت شمال «مسجد شجره» باشد؛ همانجا که درختان و نخلستان وجود دارد. اگر به آنجا تشریف ببرید آن مکان مشخص است و معمولاً مردم در آنجا وجود دارند.

مجری (آقای اسماعیلی):

بله؛ این مسجد در نزدیکی‌های «منطقه أم ابراهیم» محل ولادت حضرت نجمه خاتون مادر امام رضا است. ما دیروز به آنجا رفتیم، اما دیگر فرصت نشد به «مسجد رد الشمس» برویم. ان شاءالله در روزهای آینده حتماً آنجا خواهم رفت.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ان شاءالله؛ همچنین هفت مسجدی که منتسب به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که محل عبادت آن حضرت در ایام جنگ احد بوده را هم خراب کرده‌اند. اگر از همان خرابی‌ها هم بتوانید تصویری برای بینندگان عزیز ما بفرستید ممنون می‌شویم.

بازهم در آخر از شما التماس دعا داریم. ان شاءالله از کنار ضریح مطهر نبی مکرم اسلام و کنار قبور مطهر ائمه بقیع به نیت ما، دوستان «شبکه جهانی ولایت»، بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزانی که در ساخت استودیوی نجف اشرف کمک کردند توسل مخصوصی داشته باشید.

مجری (آقای اسماعیلی):

بله حتماً استاد ان شاءالله همین‌طور است.

آیت الله دکتور حسینی قزوینی:

ما در یکی از سفرهایی که به حج رفتیم وقتی که وارد مدینه شدیم و با آسانسور بالا می‌رفتیم ایشان شعری را خواندند که تا آخر آن سفر این شعر شبانه روز ورد زبان من بود؛

گم گشته محبت ما در مدینه است

سعی و صفا به مکه، صفا در مدینه است

گر در مدینه است حبیب و حبیبه‌اش

بیت خدا در مکه، خدا در مدینه است

ان شاء الله ما را در مدینه خیلی دعا بفرمایید.

مجری (آقای اسماعیلی):

استاد من هم وقتی که وارد قبرستان بقیع شدم این شعر ذهنم را خیلی مشغول کرد و آن را بر زبان جاری کردم؛

یا فاطمه من عقده دل واکردم

گشتم ولی قبر تو را پیدا نکردم

آیت الله دکتور حسینی قزوینی:

ان شاء الله خداوند به شما جزای خیر عنایت کند، موفق و مؤید باشید.

مجری (آقای اسماعیلی):

یا علی مدد، خدانگهدار.

مجری:

آقای اسماعیلی عزیز از شما به خاطر زمانی که در اختیار ما قرار دادید ممنون و متشکرم. موفق باشید و خدا نگهدار شما باشد.

انشاءالله هر کسی که دوست دارد به مدینه برود قسمت شود و به زیارت قبور ائمه بقیع برود. ان شاءالله بتوانیم ما در بقیع کاری را که شایسته اهل بیت (علیهم السلام) است انجام دهیم و قبور ائمه بقیع را از آن وضعیت خارج کنیم.

سوالی که من می‌خواهم از محضر استاد در این برنامه بپرسم در این مورد حقانیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) صدیق اکبر و فاروق اعظم است. در این خصوص در همه برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» بخصوص برنامه «حبل المتین» کلیاتی مطرح شده است.

بنده دوست دارم این سؤال را بپرسم که آیا جنگ‌های امیرالمؤمنین تحت عنوان صفین و نهروان و جمل به دستور صریح نبی مکرم اسلام بوده است یا اینکه آن بزرگوار اجتهاد کردند؟

دستور پیغمبر مبنی بر مبارزه با قاسطین و مارقین و ناکثین

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این زمینه حرف برای گفتن زیاد است و ما به بینندگان عزیز قول دادیم که بتوانیم در رابطه با ناگفته‌هایی از جنگ جمل و صفین و نهروان مطالبی را بیان کنیم.

بنده در یکی از سفرهایی که نجف اشرف مشرف شده بودم، زمانی که خدمت مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سیستانی شرفیاب شدم یکی از توصیه‌های ایشان که دوبار به آن اشاره کردند این بود: "از مظلومیت

امیرالمؤمنین در شبکه بیشتر صحبت کنید مخصوصاً جنگ جمل و صفین را برای مردم بازگو کنید، زیرا ما ناگفته‌های زیادی از جنگ جمل و صفین داریم."

ضمن احترام به اهل سنت و تقید به عدم اهانت به مقدسات آنها یک سری حقایق وجود دارد که شاید تا به حال به گوش بسیاری از عزیزان اهل سنت، جوان‌ها، حتی طلبه‌ها و دانشجوهای اهل سنت نخورده است.

مخصوصاً اینکه ما اینجا هر حرفی می‌زنیم از کتاب‌های اهل سنت می‌آوریم و تصویر کتاب را هم روی آنتن قرار می‌دهیم تا فردا ادعا نکنند که شیعیان این مطالب را از خودشان ساخته‌اند.

من عبارت «ابن تیمیه» را در اینجا عرض می‌کنم و بعد می‌بینیم که واقعاً حرف ایشان چقدر حقیقت دارد. تعبیر «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة» جلد ۴ صفحه ۴۹۶ به صراحت چنین است:

«وعلى رضى الله عنه لم يكن قتاله يوم الجمل وصفين بأمر من النبى»

جنگ علی بن ابی طالب در جمل و صفین به دستور پیغمبر اکرم نبوده است.

«وإنما كان رأياً راه»

این جنگ رأی و نظر او بوده است.

منهاج السنة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۴، ص ۴۹۶

بعد هم روایتی را از «سنن ابو داوود» نقل می‌کند، البته ما از این قبیل روایاتی که ساخته و پرداخته دودمان بنی امیه است کم نداریم.

نظر «ابن تیمیه» چنین است؛ حال شاگرد «ابن تیمیه» آقای «ذهبی» در کتاب «المنتقى» که در حقیقت مختصری از «منهاج السنه النبویه» است، در صفحه ۴۰۳ حرف‌های بی‌اساسی می‌زند و به صراحت می‌گوید:

«وبالجملة كان علي الحق والحق معه»

علی با حق بوده و حق با علی بود.

همین جمله‌ای که ایشان می‌گویند جای تشکر دارد، زیرا ایشان به صراحت این جمله را بیان کرده است. حال منظور او از «وبالجملة» چیست، نمی‌دانیم!! ما در اصول بحثی تحت عنوان «و بالجملة» و «فی الجملة» داریم که الآن کاری با این بحث نداریم.

ما بیش از ۵۰ روایت با سند صحیح داریم که پیغمبر اکرم فرمودند:

«عَلِي مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»

که یک شب این روایات را مطرح کردیم. همچنین روایات دیگری با سند صحیح وارد شده که می‌فرماید:

«علي مع القرآن والقرآن مع علي لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۳۴، ج ۴۶۲۸

ما سابقاً در مورد این روایات بحث کردیم. «ذهبی» در ادامه می‌گوید:

«فكان الثلاثة قبله علي الحق والحق معهم»

ابوبکر و عمر و عثمان هم با حق بودند و حق با آنها بوده است.

در رابطه با جمله امیرالمؤمنین نزدیک به ۵۰ روایت داریم، اما می‌خواهیم «ذهبی» یک روایت هم در این زمینه از زبان نبی مکرم اسلام و یا از زبان علمای وهابی مطرح کند. «ذهبی» در ادامه می‌گوید:

«وَأَلَّا فَتُخَصِّصَ عَلَيَّ بِذَلِكَ دَعْوَى بِلَا بُرْهَانٍ»

اینکه بگویم تنها علی با حق بوده و حق با علی بوده ادعایی بدون دلیل است.

کدام دلیل بالاتر از سند صحیح رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که می‌فرماید:

«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»

یا:

«فَقَالَ الْحَقُّ مَعَ ذَا الْحَقِّ مَعَ ذَا»

رسول اکرم فرمودند: حق با اوست، حق با اوست.

مسند أبی یعلیٰ، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن المثنیٰ أبو یعلیٰ الموصلی التمیمی، دار النشر: دار
المأمون للتراث - دمشق - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، تحقیق: حسین سلیم أسد، ج ۲، ص ۳۱۸، ح

۱۰۵۲

یا عبارت «ام سلمه» که می‌گوید:

«كَانَ عَلِيٌّ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مَنْ اتَّبَعَهُ اتَّبَعَ الْحَقَّ وَمَنْ تَرَكَهُ تَرَكَ الْحَقَّ عَهْدًا مَعْهُودًا قَبْلَ يَوْمِهِ هَذَا»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -
الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۲۳، ص ۳۲۹، ح

۲۵۸

آیا این روایات برهان نیست؟! بعد ایشان می‌گوید: "بسیاری از مسلمان‌ها با علی بن ابی طالب بیعت نکردند"؛ این حرف هم از آن قبیل دروغ‌های شاخ‌دار استاد او «ابن تیمیه» است.

«ما بايعوه كالشاميين برمتهم وطائفة من أهل المدينة وكثير من المصريين وأهل المغرب وغير ذلك»

شامیین و طایفه‌ای از اهل مدینه و بسیاری از مصریین و مغربین با علی بن ابی طالب بیعت نکردند.

«وأهل العلم يعلمون أنهم لم يقصدوا حرب علي ولا علي قصد حربهم»

و اهل علم (ابن تیمیه و اذناش) می‌دانند که طلحه و زبیر قصد جنگ با علی را نداشتند و علی هم قصد جنگ با آن‌ها را نداشت.

دوستان دقت کنید که «ذهبی» می‌گوید: «طلحه» و «زبیر» قصد قتال با علی نداشتند علی هم قصد قتال با آن‌ها را نداشت.

«لكن وقع القتال بغتة»

جنگ به صورت اتفاقی پیش آمد.

ظاهراً اتفاقی جنگ شروع شد و هفده هزار نفر یا سی هزار نفر کشته شدند. من نمی‌دانم دلیل حرف‌هایی که این افراد می‌زنند چیست؟! ایشان به آئینه نگاه کرده، صورت خودش را دیده و آن را بر شیعیان حمل کرده است.

«ولكن الراضة بهائم»

شیعه‌ها همه حیوان‌اند.

ادب و معرفت این شخص را ملاحظه کنید!!

«فلا فى النقل ىصدقون ولا للصدق يقبلون أتباع كل ناعق»

آن‌ها نه در روايت راست مى‌گويند و نه صداقت آن‌ها قابل قبول است.

المنتقى من منهاج الاعتدال فى نقض كلام أهل الرفض والاعتزال، أبو عبد الله محمد بن عثمان الذهبى،

سنة الولادة ٦٧٣ هـ / سنة الوفاة ٧٤٨ هـ، تحقيق محب الدين الخطيب، ج ١، ص ٤٠٣ و ٤٠٤، الفصل

الثالث فى إمامة على رضى الله عنه

كلمه «ناعق» كه او نسبت به شيعيان به كار برده به قدرى وقيح است كه نمى‌توانم آن را معنا كنم. اين ادب

كسى است كه آقاىان اهل سنت از او به «الحافظ» تعبير مى‌كنند و مى‌گويند: "اهل سنت کنار سفره چهار نفرند

كه يكى از آن‌ها «ذهبى» است!!"

ايشان ادعا مى‌كند كه «طلحه» و «زبير» قصد قتال با اميرالمؤمنين را نداشتند. ان شاءالله من در اين زمينه

بسيار مفصل صحبت خواهم كرد، اما براى اينكه ثابت كنم اين شخص دروغ مى‌گويد تنها چند عبارت از كتاب

«تاريخ طبرى» عرض مى‌كنم.

در كتاب «تاريخ طبرى» جلد ٣ صفحه ٩ روايتى وارد شده كه تنها به آن اشاره مى‌كنم تا ثابت كنم «ذهبى»

همانند استادش «ابن تيميه» دروغ مى‌گويد، اما در آينده به طور مفصل آن را مطرح مى‌كنم. «طبرى» مى‌گويد:

«طلحة والزبير إلى مكة بعد قتل عثمان رضى الله عنه»

طلحه و زبير بعد از قتل عثمان به مكه رفتند.

سپس مى‌گويد:

«فاجتمعوا فى بيت عائشة رضى الله عنها فأرادوا الراى»

و در خانه عایشه جمع شدند و با هم دیگر سخن گفتند.

«فقالوا نسیر إلى علی فنقاتله»

می‌رویم با علی می‌جنگیم.

«فقال بعضهم لیس لكم طاقة بأهل المدينة»

بعضی‌ها گفتند: اگر در مدینه با علی بجنگیم طاقت مقاومت در برابر مردم مدینه را نداریم.

«ولكننا نسیر حتى ندخل البصرة والكوفة ولطلحة بالكوفة شیعة وهوی وللزبیر بالبصرة هوی»

ما به بصره و کوفه می‌رویم، زیرا طلحه در کوفه هوادارانی دارد و زبیر هم در بصره هوادارانی دارد.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج ۳، ص ۹، باب ثم دخلت سنة إحدى وتسعين

از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم؟! همچنین در کتاب «الکامل لابن اثیر» جلد سوم صفحه ۱۲۷ روایتی وارد

شده است که تقاضا می‌کنم به هرکسی معتقد هستید به این روایت خوب دقت کنید. «أحنف» می‌گوید نزد

عایشه أم المؤمنین رفتیم و گفتیم:

«یا أم المؤمنین ویا زبیر ویا طلحة نشدتکم الله أقلت لکم من تأمرونی بأبی فقلتیم بایع علیا»

یا أم المؤمنین، یا زبیر و یا طلحه شما را به خدا قسم می‌دهم بعد از قتل عثمان من از شما سؤال کردم

که با چه کسی بیعت کنم و شما گفتید برو با علی بیعت کن.

«فقالوا نعم ولكن بدل وغير»

گفتند: بله گفتیم، اما علی بعداً تغییر کرد و از دین بیرون رفت.

«فقلت والله لا أقاتلكم ومعكم أم المؤمنين ولا أقاتل ابن عم رسول الله وقد أمرتوني ببيعته»

احنف می گوید: من هرگز در کنار شما با علی جنگ نمی کنم.

الكامل في التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم

الشيباني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٥ هـ، الطبعة: ط ٢، تحقيق: عبد الله القاضي، ج ٣،

ص ١٢٧، باب ذكر مسير علي إلى البصرة والوقعة

همچنین در «مصنف» اثر «ابن ابی شیبیه» استاد «بخاری» عیناً همین تعبیر آمده است.

«يا أم المؤمنين أنشدك بالله هل قلت لك من تأميرني به فقلت عليا فقلت تأميرني به وترضينه لي

فقلت نعم قالت نعم ولكنه بدل»

يا أم المؤمنين شما را به خدا قسم می دهم بعد از قتل عثمان مگر من از شما سؤال نکردم که با چه

کسی بیعت کنم و شما گفتید برو با علی بیعت کن؟! گفتند: بله گفتیم، اما علی بعداً تغییر کرد.

سپس می گوید:

«قلت يا زبير يا حواري رسول الله يا طلحة نشدنكما بالله اقلت لكما من تأميراني به فقلتما عليا فقلت

تأميراني به وترضياناه لي فقلتما نعم قالا بلى ولكنه بدل»

يا زبير يا حواري رسول الله و يا طلحه شما را به خدا قسم می دهم بعد از قتل عثمان مگر من از شما

سؤال نکردم که با چه کسی بیعت کنم و شما گفتید برو با علی بیعت کن؟! گفتند: بله گفتیم، اما علی

بعداً تغییر کرد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي، دار
النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٧، ص ٥٤٠، ح

٣٧٧٩٨

چگونه ممکن است امیرالمؤمنین عوض شده باشد؟! آیا نستجیر بالله آن بزرگوار از دین خارج شد؟! آقای
«ذهبی» ادعا می‌کند که «طلحه» و «زبیر» قصد قتال با علی را نداشتند، درحالی‌که خودشان معتقدند علی
عوض شد، از دین بیرون رفت و قتل او واجب است.

با مسلمان که نمی‌شود جنگید؛ قطعاً طلحه و زبیر بهتر از «ذهبی» و «ابن تیمیه» قرآن خوانده بودند و
می‌دانستند که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعْمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا)

و هر کسی فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که جاودانه در آن می‌ماند

سوره نساء (٤): آیه ٩٣

اگر کسی بخواهد با یک مؤمن بجنگد اول باید اثبات کند او از ایمان بیرون رفته و مرتد شده سپس با او بجنگد.
آقایان باید مقداری بیشتر به حرف‌هایی که می‌زنند دقت کنند.

حال در مورد اینکه آیا واقعاً نبی مکرم اسلام دستور به جنگ جمل و صفین و نهروان داده بودند یا علی بن ابی
طالب اجتهاد کرده بود روایتی در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» وارد شده است.

در جلد سوم این کتاب روایتی از «ابو ایوب انصاری» در زمان خلافت عمر بن خطاب نقل شده است، یعنی
عثمان هم سرکار نیامده است و امیرالمؤمنین هم خلیفه چهارم نشده است. روایت چنین است:

«أمر رسول الله علي بن أبي طالب بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

پیغمبر اکرم به علی بن ابی طالب دستور داد با جملی‌ها، صفینی‌ها و نهروانی‌ها بجنگد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۵۰، ح ۴۶۷۴

از این روشن‌تر و واضح‌تر بیان کنیم؟! در روایت بعد از «ابو ایوب انصاری» نقل شده است که می‌گوید:

«سمعت النبي يقول لعلی بن أبی طالب تقاتل الناکثین والقاسطین والمارقین»

شنیدم پیغمبر اکرم به علی بن ابی طالب دستور داد با جملی‌ها، صفینی‌ها و نهروانی‌ها بجنگد.

«قال أبو أيوب قلت يا رسول الله مع من تقاتل هؤلاء الأقسام»

ابو ایوب انصاری می‌گوید: گفتم یا رسول الله در رکاب چه کسی بجنگم؟

«قال مع علی بن أبی طالب»

پیغمبر اکرم فرمودند: در رکاب علی بن ابی طالب.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۵۰، ح ۴۶۷۵

همچنین در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد هفتم صفحه ۲۳۸ روایتی از قول امیرالمؤمنین وارد شده

است که حضرت می‌فرماید:

«عهد إلى رسول الله e في قتال الناکثین والقاسطین والمارقین»

پیغمبر اکرم به من وصیت کرده است که با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم.

«رواه البزار والطبرانی فی الأوسط وأحد إسنادی البزار رجاله رجال الصحيح غیر الربیع بن سعید ووثقه

ابن حبان»

این روایت را بزار نقل کرده است و طبرانی در الأوسط نقل کرده و رجال یکی از دو سند بزار صحیح

است. راویان این روایت راویان کتب صحیحین است، غیر از ربیع بن سعید که ابن حبان او را توثیق

کرده است.

آقای «هیثمی» باز در ادامه این تعبیر را نقل می‌کند، سپس می‌خواهد اشکال وارد کند و می‌گوید:

«وعن أبي سعيد عقيصاء قال سمعت عمارا ونحن نريد صفين يقول أمرني رسول الله e بقتال الناكثين

والقاسطين والمارقين رواه الطبرانی وأبو سعيد متروک ورواه أبو يعلى بإسناد ضعيف»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار

الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۳۸

«ابی سعید عقیصاء» این روایت را از «عمار» نقل کرده است و «ابو سعید» متروک است. آیا واقعاً «ابو سعید»

متروک است؟! در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد سوم روایتی از «ابو سعید»

وارد شده است که می‌گوید:

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

در مورد سند روایت وارد شده است:

«هذا حدیث صحیح الإسناد وأبو سعید التیمی هو عقیصاء ثقة مأمون ولم یخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٤، ح ٤٦٢٨

درست نیست که ما بگوئیم متروک است!! گذشت آن زمانی که آقایان حرفی بی‌اساس بزند و بگذرند. دقت داشته باشید «حاکم نیشابوری» متوفی ٤٠٥ هجری و «هیثمی» متوفی ٨٠٧ هجری است؛ آن دو بیش از سیصد سال باهم تفاوت دارند!!

جناب آقای «هیثمی» حداقل حرفی بزیند که ٣٠٠ سال قبل از شما این حرف را توثیق نکرده باشد. همچنین آقای «ابن حجر عسقلانی» بعد از شما متوفی ٨٥٢ هجری در کتاب «إتحاف المهرة» جلد ١٨ روایتی نقل می‌کند و می‌گوید:

«حدثني أبو سعيد التيمي، عنه، به. وقال: صحيح الإسناد، وأبو سعيد هو عقيصاء، ثقة مأمون»

إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة؛ المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)؛ تحقيق: مركز خدمة السنة والسيرة، بإشراف د زهير بن ناصر الناصر (راجعته ووجد منهج التعليق والإخراج)؛ الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة) - ومركز خدمة السنة والسيرة النبوية (بالمدينة)، الطبعة: الأولى، ١٤١٥هـ - ١٩٩٤م؛ ج ١٨، ص ١٧٩، ح ٢٣٥٢٠

آقای «طبرانی» در کتاب «معجم الأوسط» جلد نهم صفحه ١٦٥ از «عبدالله بن مسعود» می‌گوید:

«أمر علي بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

به علی دستور داده شده است که با قاسطین و مارقین و ناکثین بجنگد.

«لم يرو هذا الحديث عن مسلم»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة
- ١٤١٥، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج ٩، ص ١٦٥، ح

٩٤٣٤

«هيثمي» در «مجمع الزوائد» این روایت را نقل می‌کند:

«أمر على بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

و می‌گوید:

«رواه الطبرانی فی الأوسط وفيه مسلم بن كيسان الملائى وهو ضعيف»

طبرانی در معجم الأوسط این روایت را نقل کرده است و در سند این روایت «مسلم بن کيسان» است و او ضعیف است.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار
الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ١٤٠٧، ج ٧، ص ٢٣٨، باب فیما کان بینهم یوم صفین رضی الله
عنهم

حال ما روایتی می‌آوریم که «مسلم بن کيسان» هم در آن نیست. در کتاب «معجم الكبير» وارد شده است:

«حدثنا محمد بن هشام المَسْتَمَلِي ثنا عبد الرحمن بن صالح ثنا عائذ بن حبيب ثنا بكير بن ربيعة ثنا
يزيد بن قيس عن إبراهيم عن علقمة عن عبد الله قال أمر على بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -
الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ١٠، ص ٩١، ح ١٠٠٥٣

دیگر دوره‌ای که بیاییم حرف‌های بیهوده بزنییم و مردم نوشته‌های ما را همانند وحی بدانند گذشته است.

اگر آقای «ذهبی» و «هیثمی» می‌دانست که روزی می‌آید که حرف این آقایان در «شبکه جهانی ولایت» برای میلیون‌ها انسان در تمام کره زمین نقل و نقد می‌شود چنین حرف‌هایی نمی‌زدند. آن‌ها فردای قیامت چه آبروریزی خواهند داشت!؟

(يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ)

در آن روز که اسرار پنهان آشکار می‌شود.

سوره طارق (٨٦): آیه ٩

روزی که پرده‌ها کنار برود، دروغ‌هایشان برملا شود و در محضر جمیع اولین و آخرین در محکمه عدل الهی محاکمه شوند چه حالی خواهند داشت!؟ همچنین آقای «ابن اثیر جزری» در کتاب «أسد الغابة» جلد چهارم به صراحت می‌گوید پیغمبر اکرم فرمودند:

«إِنَّ مِنْكُمْ رَجُلًا يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ، كَمَا قَاتَلَتْ عَلَى تَنْزِيلِهِ»

یکی از شماها بر تأویل قرآن می‌جنگد همان‌طور که من بر نزول قرآن جنگیدم.

یعنی زمانی می‌آید که برای تبیین و تشریح معنای قرآن یکی از شما خواهید جنگید. بعضی‌ها گفتند: ما هستیم، اما رسول خدا فرمودند:

«لكنه خائف النعل»

او کسی است که کفش‌هایش را وصله می‌زند.

«فجاء فبشرناه بذلك، فلم يرفع به رأساً، كأنه شيء قد سمعه من النبي»

ما آمدیم و این خبر را به علی گفتیم، اما او سرش را بلند نکرد گویا قبلاً از پیامبر شنیده بود.

سپس می‌نویسد:

«عن أبي سعيد الخدري قال: أمرنا رسول الله بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

ابو سعید خدری می‌گوید: پیغمبر اکرم به ما صحابه دستور داد با ناکسین و قاسطین و مارقین بجنگیم.

«قلنا: يا رسول الله أمرتنا بقتال هؤلاء، فمع من؟»

ما صحابه گفتیم: یا رسول الله! در رکاب چه کسی باید بجنگیم؟

«فقال: (مع علي بن أبي طالب، معه يقتل عمار بن ياسر)»

پیغمبر اکرم فرمودند: در رکاب علی بن ابی طالب بجنگید و عمار هم در آن جنگ کشته خواهد شد.

آقای «ابن تیمیه» و «ذهبی» اینکه می‌گویند: پیغمبر اکرم دستور به جنگ نداده و علی بن ابی طالب اجتهاد

کرده در قیامت چه جوابی دارید؟! همچنین در روایت بعد وارد شده است:

«أتينا أبا أيوب الأنصاري، فقلنا: قاتلت بسيفك المشركين مع رسول الله، ثم جئت تقاتل المسلمين؟»

از ابو ایوب انصاری پرسیدند: با این شمشیر خود در رکاب پیغمبر اکرم با مشرکین جنگیدی، حال با

مسلمانان می‌جنگی؟

«قال: أمرني رسول الله بقتل الناكثين والقاسطين والمارقين»

ابو ایوب انصاری گفت: پیغمبر اکرم به من دستور داده که با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم.

أسد الغابة فی معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل

أحمد الرفاعي، ج ٤، ص ١٢٤، ح ٣٧٧٥

همان طور که پیغمبر اکرم دستور داد با مشرکین بجنگید، همان طور هم دستور داده است که با اصحاب جمل و صفین و نهروان هم بجنگید. والله این کتب هیچکدام کتاب شیعه نیستند، بلکه همگی کتب عزیزان اهل سنت هستند.

همچنین در کتاب «البدایه و النهایه» اثر «ابن کثیر دمشقی» جلد هفتم وارد شده که ایشان یک روایتی را می آورد، سپس می گوید:

«فهذه اثنتا عشرة طريقا إليه سترها بأسانيدها وألفاظها ومثل هذا يبلغ حد التواتر»

این روایت دوازده تا سند دارد و روایتی که دوازده سند داشته باشد در حد متواتر است.

ایشان در رابطه با مدح علی و قتال او با خوارج همان روایتی که آوردیم را نقل می کند و می نویسد:

«من يقاتل على تأويل القرآن كما قاتلت على تنزيله»

سپس می نویسد:

«سمعت عليا على منبركم هذا يقول عهد إلى النبي أن أقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين»

ایشان بیشتر از بیست روایت در اینجا نقل می کند.

«أمرني رسول الله ﷺ بقتال الناكثين والمارقين والقاسطين»

او روایات متعددی از رسول اکرم نقل می‌کند که آن بزرگوار به امیرالمؤمنین دستور داده تا بیاید با مارقین و قاسطین و ناکثین بجنگد.

آقای «ابن کثیر»! شما ادعا می‌کنید اگر روایتی دوازده طریق داشته باشد متواتر است، اما در اینجا که نزدیک بیست روایت آوردید متواتر نیست؟! جالب اینجاست که خودش در ادامه روایتی را از «شریک» از «سلیمان بن مهران» از «اعمش» نقل می‌کند و می‌گوید:

«علقمة والأسود قالاً أتینا أبا أيوب الأنصاري عند منصرفه من صفين فقلنا له يا أبا أيوب إن الله أكرمك»

علقمه و اسود می‌گویند وقتی ابا ایوب انصاری از جنگ صفین برگشت نزد او رفتیم و گفتیم: یا ابا ایوب خدای عالم کرامت بزرگی به تو کرده است.

«بنزول محمد ﷺ وبمجيء ناقته تفضلاً من الله وإكراماً لك حين اناخت ببابك دون الناس»

وقتی پیغمبر به مدینه آمد همه می‌خواستند ناقه پیغمبر در منزل خودشان اقامت کند. پیغمبر نمی‌خواست دل کسی را بشکند به همین خاطر فرمود: ناقه من به هر منزلی رفت و آنجا نشست من همانجا اطراق می‌کنم. ناقه پیغمبر اکرم درخانه شما آمد، این افتخار در میان همه مسلمانان نصیب شما شد و پیغمبر در ورودش به مرینه به منزل تو آمد.

«ثم جئت بسيفك على عاتقك تضرب به أهل لا إله إلا الله»

حال با این شرافت، کرامت و جایگاه شمشیر دست گرفته‌ای و در صفین با افرادی که گوینده لا اله الا الله هستند می‌جنگی؟

«فقال يا هذا إن الرائد لا يكذب أهله وإن رسول الله أمرنا بقتال ثلاثة مع علي بقتال الناكثين والقاسطين

«والمارقين»

ابو ایوب انصاری گفت: پیغمبر گفت با سه دسته در رکاب علی بجنگید؛ ناکثین، مارقین و قاسطین.

«فأما الناکثون فقد قاتلناهم وهم أهل الجمل طلحة والزبیر»

ناکثین که با آنها جنگیدیم اهل جمل به سرکردگی طلحه و زبیر بودند.

«وأما القاسطون فهذا منصرفنا من عندهم یعنی معاویة وعمر»

اما قاسطین معاویة و عمروعاص هستند که الآن از جنگ با آنها برمی گردیم.

«وأما المارقون فهم أهل الطرقات وأهل السعیفات وأهل النخیلات وأهل النهروان»

اما مارقین اهالی طرقات و سعیفات و نخیلات و نهروان هستند.

«والله ما أدری أين هم ولكن لا بد من قتالهم إن شاء الله»

بخدا نمی دانم این اهل نهروان کجا هستند، اما ان شاءالله قطعاً با آنها خواهیم جنگید.

«وسمعت رسول الله يقول لعمار یا عمار تقتلک الفئة الباغیة وأنت مذ ذاک مع الحق والحق معک»

پیغمبر به عمار فرمود تو را گروهی ستمگر خواهند کشت. تو با حق هستی و حق با تو است.

«یا عمار بن یاسر إن رأیت علیا قد سلک وادیا وسلک الناس غیره فاسلک مع علی»

یا عمار بن یاسر اگر دیدی تمام مردم به یک طرف رفتند و علی به یک طرف رفت به آن طرفی برو که

علی رفته است.

بنابراین اگر تمام جمعیت یک طرف بودند و علی یک طرف بود علی حق است و با او برو!! رسول اکرم در ادامه

فرمودند:

«يا عمار من تقلد سيفاً أغان به علياً على عدوه قلده الله يوم القيامة وشاحين من در»

هر کسی در رکاب علی بجنگد خدای عالم فردای قیامت بالاترین درجه را به او می‌دهد.

«ومن تقلد سيفاً أغان به عدو علي عليه قلده الله يوم القيامة وشاحين من نار»

هرکسی در برابر علی بجنگد خدای عالم فردای قیامت او را به آتش جهنم گرفتار می‌کند.

«فقلنا يا هذا حسبك الله حسبك الله»

خیلی عجیب است آقای «ابن کثیر» که می‌گوید: ذکر ده یا دوازده روایت دلیل بر تواتر است، اما در اینجا بعد از ذکر این روایات می‌گوید:

«هذا السياق الظاهر أنه موضوع وآفته من جهة المعلى بن عبد الرحمن فإنه متروك الحديث»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٧، ص ٢٩٠ - ٣٠٧، باب ما ورد فيهم من الأحاديث الشريفة

او ادعا می‌کند از ظاهر روایت چنین برمی‌آید که روایت جعلی است. حال چرا جعلی است خود داستان مفصلی دارد که فعلاً جای بحث آن نیست و ان شاء الله بعدها در این زمینه توضیحاتی بیان خواهیم کرد.

من تنها می‌خواهم یک جمله به «ابن کثیر دمشقی» و «ابن تیمیه» بگویم. عزیزان دقت کنند شاید تا به حال این روایت را نشنیده باشند. این روایت که بسیار جالب است هدیه ما به بینندگان عزیز است.

در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد دوم و صفحه ۵۰۲ روایتی وارد شده که خیلی جالب است. بنده در این رابطه می‌توانم بگویم بهترین و شیرین‌ترین روایتی است که تا به حال دیدم.

این روایت بر شرط شیخین صحیح است یعنی شرایط «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» را دارد. «ذهبی» هم می‌گوید: «خ م» یعنی شرایط «صحیح مسلم» را دارد. بنابراین هم «ذهبی» می‌گوید روایت صحیح است و هم «حاکم نیشابوری» می‌گوید روایت صحیح است.

به این روایت خوب دقت کنید. راوی می‌گوید نزد «عبدالله بن عمر» بودم که مردی از اهل عراق آمد و گفت: یا «عبدالله بن عمر»! من دوست دارم که اخلاق شما را الگوی خود قرار دهم و به شما اقتدا کنم. من از شما سوالی دارم؛ آیه شریفه:

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي
حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ

هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند در میان آنها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۹

«أخبرني عن هذه الآية»

این آیه را برایم معنا کنید.

مرد عراقی ادعا کرد که می‌خواهم در خصوص این آیه مطالبی از شما بشنوم و تقلید کنم.

«فقال عبد الله بن عمر ما لك ولذلك انصرف عني»

عبدالله بن عمر گفت: به شما ارتباطی ندارد، از اینجا برو!

من نمی‌دانم معنای حرف «عبدالله بن عمر» چیست!! اگر مرد عراقی از آیات قرآن کریم هم سؤال نکند چکار می‌تواند کند!

«فقام الرجل فانطلق حتى إذا توارينا سواده أقبل إلينا عبد الله بن عمر»

مرد عراقی بلند شد و رفت، سپس عبدالله بن عمر به ما رو کرد.

«فقال ما وجدت في نفسي شيء من أمر هذه الآية إلا ما وجدت في نفسي أني لم أقاتل هذه الفئة

الباغية كما أمرني الله تعالى»

من هروقت درباره این آیه من فکر می‌کنم احساس شرمندگی می‌کنم که چرا با این گروه ستمگر و

لشکر معاویه ننگیدم همان‌طور که خدا به من دستور داده است.

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٢، ص

٥٠٢، ح ٣٧٢٢

آقای «ابن تیمیه» شما خجالت نمی‌کشید؟! آقای «ذهبی» فردا چه جوابی دارید؟! «عبدالله بن عمر» می‌گوید

من تأسف می‌خورم که چرا در رکاب علی بن ابی طالب در جنگ صفین با معاویه ننگیدم، زیرا خدا به من

دستور داده بود.

ولی «ابن تیمیه» می‌گوید قضیه جنگ جمل و صفین و نهروان رأی و اجتهاد بوده است!!! جالب اینجاست که در

کتاب «أسد الغابة» اثر «ابن اثیر جزری» جلد چهارم این روایت را مفصل مطرح می‌کند. او می‌گوید:

«قال ابن عمر حين حضره الموت: ما أجد في نفسي من الدنيا إلا أني لم أقاتل الفئة الباغية»

زمانی که عبدالله بن عمر داشت از دنیا می‌رفت، گفت: در عمرم برای هیچ چیز تأسف نمی‌خورم و پشیمان نیستم جز اینکه چرا در رکاب علی با معاویه نجاتم.

«ما آمن علی شیءٍ إلا أني لم أقاتل مع علی بن أبي طالب الفئة الباغية»

و تأسف نمی‌خورم برای هیچ چیز جز اینکه چرا در رکاب علی بن ابی طالب با گروه ستمگر معاویه و عمروعاص نجاتم.

«وقال الشعبي: ما مات مسروق حتى تاب إلى الله تعالى من تخلفه عن القتال مع علی»

شعبی می‌گوید: مسروق گفته که او از دنیا نرفت مگر اینکه توبه کرد که چرا در رکاب علی نجاتم است.

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علی بن محمد الجزري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۳۷۷۵

حالا دیگر این توبه‌ها فایده داشت یا نداشت؛ الله اعلم.

خیلی جالب است؛ این روایت قتال ناکثین و قاسطین و مارقین شیرین‌ترین و زیباترین روایتی است که من در این خصوص می‌شناسم. بار اول که بنده این روایت را دیدم با خود گفتم که اگر این روایت را نقل کنیم ممکن است وهابیت بپرسند سند آن چیست؟!

بعد از مطالعه دیدم «ذهبی» و «حاکم نیشابوری» می‌گویند که این روایت صحیح است. اگر این دو نفر روایتی را صحیح بدانند به منزله ورود روایت در کتاب «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» است.

دوستان عزیز مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را مشاهده کنید. در طول پنج سال خلافت آن بزرگوار کاری کردند که امیرالمؤمنین فرمود:

«قَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي غَيْظًا»

بخدا قسم قلب مرا پر از خون کردید.

دعائم الإسلام، نویسنده: ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق / مصحح: فیضی، آصف، ج ۱، ص

۳۹۰، باب ذکر قتال أهل البغی

خدا مرا به بهتر از شما برساند و شما را به بدتر از من گرفتار کند. نتیجه دعای امیرالمؤمنین آمدن «حجاج ابن یوسف ثقفی» و آن جنایاتی بود که در کوفه بر سر مردم آورد. جنایات او انتقام خون‌هایی که مردم کوفه در قلب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) کردند.

ما در زیارت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ [أَنْتَ] أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غَضِبَ حَقَّهُ»

سلام بر تو یا ولی الله شهادت می‌دهم تو اولین مظلوم و اولین کسی هستی که حقش غضب شد.

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۴۱، ح

۲

امیرالمؤمنین نه تنها در آن زمان بلکه الان هم مظلوم است. آن بزرگوار در میان ما شیعیان مظلوم است؛ زیرا حق او را ادا نکردیم، علی را نشناختیم و معرفت در مقام آن بزرگوار پیدا نکردیم. وهابی‌ها شبانه روز در شبکه‌های شیطانی وقیح‌ترین تعابیر را نسبت به امیرالمؤمنین مطرح می‌کنند و کسی هم نیست تا جلوی آن‌ها را بگیرد.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. خدمت بینندگان عزیز و ارجمندی که با ما همراه هستند عرض کنم ما چند دقیقه دیگر بیشتر تا پایان برنامه فرصت نداریم، اما یک میان برنامه ببینیم و برگردیم.

یکی از خانواده‌های بیننده «شبکه جهانی ولایت» التماس دعای خاصی داشتند که می‌خواهم آن را مطرح کنم. این چند دقیقه را هم در خدمت استاد خواهیم بود؛ بعد از دیدن میان برنامه باز می‌گردیم و بازهم میهمان منازل شما هستیم.

الحمدلله که شیعه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هستیم و ان‌شاءالله بتوانیم حق مطلب را در شیعه بودنمان ادا کنیم. خدا را شکر که مسلمان هستیم و خدا را شکر که موحد هستیم!

حضرت استاد دقایق پایانی برنامه است و من نکته‌ای را بگویم که شاید از تماس‌ها مهم‌تر است و به آن پردازیم؛ ابتدای برنامه که آمدم برگه‌ای از تماس یکی از بینندگان عزیز را به من دادند. ایشان آقای محمد حسین دهقان فرزند دختر ۸ ساله‌ای دارند که پنجاه روز است به کما رفته است. ایشان بسیار ناراحت بودند و با همکاران ما تماس گرفته بودند و مادرشان بسیار ابراز ناراحتی می‌کرد.

ناراحتی ایشان طبیعی است، زیرا دخترشان ۵۰ روز در کما است و درخواست ویژه برای دعا داشتند. خیلی‌ها هستند که درخواست دعا دارند، اما ایشان به صورت خاصی با این وضعیت تأسفبار التماس دعا داشتند.

ایشان دوست داشتند که شما و همه بینندگان عزیز دعا کنید تا ان‌شاءالله مشکل ایشان رفع شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شهیده راه ولایت همه بیماران مخصوصاً ایشان را هر چه سریع‌تر شفای عاجل کرم فرما و لباس عافیت بر تن ایشان بپوشان.

مجری:

ان شاء الله بینندگان هم دعا کنند حتی بیندگانی که ایشان را نمی‌شناسید. به هر حال ایشان از شیعیان امیرالمؤمنین هستند و دختر ایشان در این وضعیت است. برای ایشان نذر کنید، قطعاً راه دوری نمی‌رود که ایشان خوب شود.

ما که این خبر را خواندیم هم از شما بینندگان عزیز در مورد این موضوع التماس دعا داریم. ان شاء الله که دختر ایشان بهبود پیدا کند و خبر بهبودی ایشان را از همین شبکه تقدیم شما کنیم. دو دقیقه فرصت داریم، حضرت استاد دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حالا که این مشکل مطرح شد ما ۵ مرتبه آیه شریفه (أَمَّنْ يَجِيبُ) را می‌خوانیم. اولاً برای فرج حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه).

ما در بعضی از روایات داریم که قلب مقدس حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) از وضع ظلم و جور و استبداد و جنایات به درد می‌آید، به کنار بیت الله الحرام می‌آید، صورت بر زمین می‌گذارد و در سجده این آیه شریفه را تا صبح قرائت می‌کند.

(أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

سوره نمل (۲۷): آیه ۶۲

بعد در طلوع فجر خدای عالم اذن ظهور برای حضرت بقیة الله الأعظم صادر می‌کند. ما پنج مرتبه این آیه را برای فرج حضرت ولی عصر، شفای تمام بیماران مخصوصاً این عزیز که التماس دعا گفتند می‌خوانیم.

(أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ)

خدایا به حق محمد و آل محمد به ویژه به حق فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شهیده راه ولایت قسم می‌دهیم هر چه سریع‌تر فرج مولای ما را نزدیک بگردان.

خدایا قلب نازنین حضرت بقیة الله الأعظم را با ظهورش خشنود بگردان. خدایا ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده و ما را مشمول عنایات ویژه حضرتش قرار بده.

خدایا بر تمام بیماران مخصوصاً این مریض مورد نظر شفای عاجل کرم بفرما. خدایا رفع گرفتاری از جمیع مسلمانان عنایت بفرما.

خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز به خصوص ولایت یاوران بالاخص عزیزانی که برای راه‌اندازی استودیوی نجف کمک کردند و خواهند کرد را برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

ممنونم از شما بینندگان عزیز که با ما همراه بودید. بسیاری از مطالبی که امشب مطرح شد مانند سایر برنامه‌های ما مطالب جدید و تازه بود؛ ان‌شاءالله که در این مطالب تأمل کنیم.

اگر نیاز داشتید که مطلب را به صورت کتبی دریافت کنید، می‌توانید چند روز دیگر ان‌شاءالله بعد از تایپ شدن برنامه به آرشیو «شبکه جهانی ولایت» مراجعه بفرمایید.

می‌توانید از آرشیو برنامه را به صورت صوتی و تصویری دانلود بفرمایید، همراه خودتان داشته باشید و اگر نیاز بود چند باز مرور کنید.

متشكرم از همراهِيتان، التماس دعا دارم، يا علي مدد، خدا نگهدارتان